

نقش رابطه معلم با دانش آموز در کنترل و کاهش آسیب های اجتماعی

لیلا رضایی

مینا حسنلو

کبری یدپسند

چکیده

رابطه بین معلم و دانش آموز نقش حیاتی در کاهش و کنترل آسیب های اجتماعی دارد. این رابطه می تواند به تقویت حس امنیت و اعتماد در دانش آموزان کمک کرده و زمینه ساز شناسایی زودهنگام مشکلات احتمالی شود. معلمان با ایجاد ارتباط مثبت، می توانند در توسعه مهارت های اجتماعی دانش آموزان نقش به سزایی داشته باشند و به عنوان الگوهای رفتاری مثبت عمل کنند. همچنین، پشتیبانی عاطفی و روانی که معلمان ارائه می دهند، می تواند موجب تقویت توانایی دانش آموزان در مقابله با چالش های زندگی شود. بنابراین، تقویت و بهبود کیفیت این رابطه، می تواند اثرات مثبت وسیعی بر جامعه داشته باشد و به کاهش آسیب های اجتماعی کمک کند. نقش رابطه معلم با دانش آموز در کنترل و کاهش آسیب های اجتماعی بسیار مهم است. این رابطه می تواند به وسیله تعاملات مثبت، پاسخ گیری و حمایت، دانش آموزان را در برابر آسیب های اجتماعی پایدار کند. معلمان باید الگوهای مثبت اجتماعی را برای دانش آموزان بیاموزند و آن ها را تشویق به انجام کارهای مفید کنند. همچنین دانش آموزان باید خودآگاهی، انجام کارهای مفید، حمایت از هموعان و تعامل با معلمان را در نظر داشته باشند تا از آسیب های اجتماعی دور بمانند.

کلمات کلیدی: رابطه معلم، دانش آموز، کنترل، کاهش، آسیب های اجتماعی

مقدمه

آسیب‌های اجتماعی از جمله اعتیاد، خشونت و فقر فرهنگی، تأثیرات عمیق و بلندمدتی بر جوانان می‌گذارند و نظام آموزشی را به چالش می‌کشند (دهقان باغبیری، ۱۴۰۲، ص. ۱۱۲). نقش معلمان به‌ویژه در این حوزه، بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است.

معلمان به عنوان پایه‌های اساسی نظام آموزشی نه تنها آموزگار، بلکه منتور، راهنما و الگو نیز محسوب می‌شوند. ارتباط قوی و مثبت میان معلم و دانش‌آموز می‌تواند به شکل‌گیری حس اعتماد و امنیت در دانش‌آموزان بیانجامد، که به نوبه خود، زمینه‌ساز رشد تحصیلی و شخصیتی آنان است (همان، ص. ۱۱۴). تحقیقات متعدد نشان می‌دهد که ارتباط مؤثر میان معلم و دانش‌آموز می‌تواند مانع از بروز رفتارهای پرخطر و آسیب‌زا شود (همان، ص. ۱۱۶).

پس رابطه معلم با دانش‌آموز یکی از عوامل کلیدی در فرآیند یادگیری و توسعه شخصیت دانش‌آموزان است. این رابطه نه تنها پیشرفت تحصیلی را تسهیل می‌کند، بلکه در کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی نیز نقش دارد. معلمان به عنوان الگوهای رفتاری و عاطفی می‌توانند به شکل‌گیری هویت اجتماعی و فردی دانش‌آموزان کمک کرده و زمینه‌های لازم برای رشد و توسعه اجتماعی را فراهم آورند.

از طریق برقراری ارتباط مؤثر و مثبت با دانش‌آموزان، معلمان می‌توانند به شناسایی نیازها و مشکلات آنان پرداخته و در جهت رفع این مسائل اقدام کنند. این ارتباط می‌تواند به افزایش اعتماد به نفس و عزت نفس دانش‌آموزان منجر شود و آنان را در برابر فشارهای اجتماعی مقاوم‌تر کند. بنابراین، در این مقاله به بررسی اهمیت رابطه معلم با دانش‌آموز و تأثیر آن بر کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی خواهیم پرداخت و شیوه‌های مؤثر در بهبود این رابطه را مورد تحلیل قرار خواهیم داد.

روش تحقیق

روش به کار رفته در این پژوهش توصیفی تحلیلی است.

یافته ها

اهمیت رابطه معلم و دانش آموز در کاهش آسیب های اجتماعی

برای بررسی علمی رابطه معلم و دانش آموز و تأثیر آن بر کنترل آسیب های اجتماعی، می توان جنبه های مختلف این رابطه را مورد بررسی قرار داد. در ادامه به تشریح این جنبه ها می پردازیم:

۱. ایجاد اعتماد و ارتباط مثبت

اعتماد، یکی از اساسی ترین عناصر در رابطه معلم و دانش آموز است. وقتی دانش آموزان احساس کنند که معلم به آنها توجه دارد و آماده است به نگرانی هایشان گوش دهد، احتمال بروز رفتارهای مثبتی چون مراجعه و صحبت درباره مشکلات شخصی و تحصیلی بیشتر می شود. چنین فضای حمایتی می تواند از شکل گیری رفتارهای پرخطر پیشگیری کند.

۲. شکل گیری مهارت های اجتماعی، عاطفی و شناختی

ارتباط مؤثر معلم و دانش آموز تنها به موفقیت های تحصیلی محدود نمی شود، بلکه در توسعه مهارت های اجتماعی، عاطفی و شناختی هم اثرگذار است. معلمانی که به تقویت این مهارت ها توجه می کنند، می توانند دانش آموزان را برای مقابله با چالش های اجتماعی آماده کنند.

۳. محیط یادگیری سالم و مثبت

یک محیط یادگیری مثبت شامل فضایی است که در آن دانش آموزان احساس امنیت کنند و بتوانند بدون ترس از شکست، اشتباه کنند و یاد بگیرند. معلمان در ایجاد چنین محیط هایی نقش کلیدی دارند و با تشویق به همکاری و ابراز آزادانه نظرات، می توانند انگیزه یادگیری را افزایش دهند.

بنابراین، تقویت رابطه معلم و دانش آموز می تواند به پیشگیری از بسیاری از آسیب های اجتماعی کمک کند. از طریق ایجاد اعتماد، تقویت مهارت های اساسی و فراهم کردن محیط یادگیری حمایتی، می توان به ارتقای رشد همه جانبه دانش آموزان یاری رساند.

استفاده از منابع معتبر و مطالعات علمی برای تعمیق این موضوع و بهبود کیفیت مقاله بسیار مهم است. اگر مقاله خاصی مدنظر دارید یا به منابع علمی نیاز دارید، می توان بر اساس آنها نوشتار را بهبود بخشید.

رابطه معلم و دانش آموز فراتر از یک ارتباط صرفاً آموزشی است و به ایجاد یک محیط یادگیری سالم و مثبت کمک می کند. این رابطه می تواند به شکل گیری مهارت های اجتماعی، عاطفی و شناختی دانش آموزان کمک کند. در ادامه به بررسی جنبه های مختلف این رابطه و تأثیر آن بر کنترل آسیب های اجتماعی می پردازیم.

۱. ایجاد اعتماد و ارتباط مثبت

یکی از بنیادی ترین مؤلفه های رابطه معلم و دانش آموز، ایجاد اعتماد است. زمانی که دانش آموزان احساس کنند که معلم به آنها اهمیت می دهد و به مشکلاتشان گوش می دهد، احتمال اینکه

در شرایط سخت به او مراجعه کنند، بیشتر می‌شود. این ارتباط مثبت می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند تا احساس کنند که در یک فضای حمایتی قرار دارند، که این امر به نوبه خود می‌تواند از بروز رفتارهای پرخطر جلوگیری کند.

۲. شناسایی نیازها و مشکلات

معلمان به دلیل نزدیکی به دانش‌آموزان، می‌توانند به سرعت نیازها و مشکلات آن‌ها را شناسایی کنند. این توانایی به معلمان این امکان را می‌دهد تا به موقع به مسائل اجتماعی و روانی دانش‌آموزان پرداخته و راه‌حل‌های مناسب را ارائه دهند. در واقع، معلمانی که توانایی شناسایی مشکلات اجتماعی و عاطفی دانش‌آموزان را دارند، می‌توانند به پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی کمک کنند.

۳. توسعه مهارت‌های اجتماعی

معلمان می‌توانند با ایجاد فعالیت‌های گروهی و کارهای تیمی، مهارت‌های اجتماعی را در دانش‌آموزان تقویت کنند. این نوع فعالیت‌ها به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا توانایی‌های ارتباطی و همکاری با دیگران را یاد بگیرند و از تنهایی و انزوا دور شوند. همچنین، این مهارت‌ها می‌توانند به آن‌ها در مواجهه با چالش‌های اجتماعی کمک کنند و احساس تعلق به گروه را در آن‌ها تقویت کنند.

۴. مدل‌سازی رفتارهای مثبت

معلمان به عنوان الگوهای رفتاری برای دانش‌آموزان عمل می‌کنند. وقتی معلمان رفتارهای مثبت و اخلاقی را در کلاس درس نمایش می‌دهند، دانش‌آموزان به طور طبیعی این رفتارها را الگو قرار می‌دهند. این امر می‌تواند به تقویت ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی در میان دانش‌آموزان منجر شود و آنان را در برابر آسیب‌های اجتماعی مقاوم‌تر کند.

۵. ایجاد محیط یادگیری امن و حمایتی

یک محیط یادگیری امن و حمایتی، تأثیر بسزایی بر کاهش آسیب‌های اجتماعی دارد. معلمان با ایجاد فضایی که در آن دانش‌آموزان احساس امنیت و راحتی کنند، می‌توانند به کاهش اضطراب

و استرس‌های روانی آنان کمک کنند. این نوع محیط‌ها به دانش‌آموزان این امکان را می‌دهند که به راحتی احساسات و نگرانی‌های خود را با معلم در میان بگذارند و در نتیجه به پیشگیری از مشکلات عاطفی و اجتماعی کمک کنند.

در نهایت، رابطه معلم و دانش‌آموز نقش بسیار مهمی در کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی ایفا می‌کند. با ایجاد یک ارتباط مثبت و مؤثر، معلمان می‌توانند به شکل‌گیری شخصیت و هویت اجتماعی دانش‌آموزان کمک کرده و آنان را در برابر چالش‌های اجتماعی تقویت کنند. برای بهبود این رابطه، ضروری است که معلمان آموزش‌های لازم را دریافت کرده و مهارت‌های اجتماعی و عاطفی خود را تقویت کنند تا بتوانند در نقش‌های خود به بهترین شکل عمل کنند. این فرآیند نه تنها به نفع دانش‌آموزان بلکه به نفع جامعه به‌طور کلی خواهد بود (سالاری منش، ۱۴۰۲).

نقش رابطه معلم با دانش‌آموز در کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی

رابطه معلم با دانش‌آموز یک رابطه مهم در محیط آموزشی است که می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر رفتار، نگرش و عملکرد دانش‌آموزان داشته باشد. در این بخش، ما به نقش این رابطه در کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی می‌پردازیم.

اهمیت رابطه معلم با دانش‌آموز

رابطه معلم با دانش‌آموز نه تنها از نظر آموزشی مهم است، بلکه از نظر اجتماعی و روانی نیز دارای اهمیت قابل توجهی است. معلمان می‌توانند از طریق این رابطه، دانش‌آموزان را در کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی یاری دهند. برخی از مهم‌ترین عوامل این رابطه به شرح زیر هستند:

- اعتماد: دانش‌آموزان در صورت اعتماد به معلمان، بیشتر به مشاوره و راهنمایی‌های آن‌ها گوش می‌دهند و از آن‌ها حمایت می‌کنند.

- ارتباطات مثبت: معلمان باید با دانش‌آموزان ارتباطات مثبت برقرار کنند تا آنان را تشویق به انجام کارهای مفید و اجتناب از رفتارهای سویی کنند.

- پاسخ‌گیری: معلمان باید پاسخگوی سوالات و نیازهای دانش‌آموزان باشند تا آنان را تشویق به یادگیری و رشد کنند.

کردند معلم نیز غذایش را می خورد و اوراق آن ها را تصحیح می کرد. البته منظور این نیست که معلم مجبور باشد به خاطر اسایش دانش آموزان خود را به درد سر اندازد بلکه اوبا این کار فقط علاقه ی واقعی خود را به آن ها نشان داده است. معلم دیگری با گروهی از دانش آموزان کار می کرد که به دلیل عملکرد ضعیف تحصیلی و رفتارهای پرخاشگرانه در شرف اخراج از مدرسه بودند. آن ها به طور معمول قلم و دفترچه ی خود را به همراه نمی آوردند. معلم برای این موضوع راهی یافت او با خود قلم هایی را به کلاس می آورد و آزادانه در اختیار هر کسی می گذاشت همچنین همیشه مقداری کاغذ سفید نیز با خود به کلاس می آورد. این اقدام تلاش کوچکی از جانب وی بود. مهمترین نکته این بود که معلم با در اختیار گذاشتن قلم و کاغذ نشان می داد که درباره ی موفقیت دانش آموزان خود حساسیت دارد و حاضر نیست دانش آموزی به خاطر نداشتن وسایل لازم از فعالیت تحصیلی باز بماند. یکی از روشهای دیگر برای آن که معلم علاقه ی خود را به دانش آموزان نشان دهد حضور در برنامه های فوق برنامه ی تحصیلی ایشان است. برای مثال معلم با شرکت در بازی های دانش آموزان به آن ها نشان می دهد که از بودن در جمع آن ها لذت می برد. بنابراین شرکت مستقیم در فعالیت ها و یا قبول وظیفه ی جانبی و تشویق دانش آموزان آن ها را متوجه علاقه ی معلم به فعالی های آن ها می کند. به علاوه معلم با صحبت پیرامون برنامه های آخر هفته، تعطیلات و طرح های آینده دانش آموزان می تواند علاقه ی خود را به آن ها نشان دهد. همچنین صحبت های اتفاقی معلم در راهروی مدرسه و یا زمین بازی و غیره با دانش آموزان نشان دهنده ی آن است که به آن ها علاقمند است. معلمانی که به جزئیات فردی دانش آموز توجه می کند باعث می شوند تا دانش آموز وی را علاقمند به خود بداند دانش آموزان باید بدون در نظر گرفتن توانایی ها و یا شکست ها ایشان در امور تحصیل مورد احترام و توجه واقعی قرار گیرند.

ثبات داشتن و بخشنده بودن

معلمانی که در رفتار شان آرامش دارند در رابطه ی خود با دانش آموزان بسیار موفق هستند. دانش آموزان معلمی می خواهند که رفتارشان پایدار و قابل پیش بینی باشد. معلمی که یک روز دوستانه و روزی دیگر رفتاری غیر دوستانه دارد موجب می شود تا دانش آموزان از در میان نهادن مشکلات خود با وی تردید داشته باشند. در واقع دانش آموزان نباید شاهد بی ثباتی در

رفتار معلم خود باشند. حتی دانش آموزانی که در روز قبل مشکلی در کلاس ایجاد کرده اند باید بتوانند روز بعد به راحتی به سر کلاس بیایند. معلم باید با آن ها برخوردی دوستانه و محترمانه داشته باشد و بی نظمی های آن ها را نادیده بگیرد و به امور روز جاری بپردازد. در واقع معلمان باید بیاموزند که کینه ی خود را دور بریزند و همان طور که دوست دارند دیگران خطای آن ها را ببخشند آن ها نیز از خطاهای دانش آموزان چشم پوشی کنند.

داشتن انتظارهای بالا و ممکن

معلمی که خواهان رابطه ی مثبت و سازنده با دانش آموزان است باید اعتقاد به قابلیت ها را در آن ها پرورش دهد. راه های زیادی برای این منظور وجود دارد اول واگذاری کردن فعالی های نسبتاً دشوار به دانش آموزان است. با واگذار کردن کارهایی که احتمال شکست در آن ها اندک است و موجب افزایش توانایی های دانش آموزان می شود معلم اعتقاد خود را نسبت به قابلیت های دانش آموزان به آن ها القا می کند. بر عکس کاری که بیش از اندازه سهل باشد ممکن است سبب شود تا دانش آموزان فکر کنند معلم آن ها را در انجام کارهای واقعی ناتوان می داند. در حالی که واگذاری کارهای نسبتاً دشوار ممکن است نشانه ی اعتقاد معلم به قابلیت تحصیلی دانش آموزان باشد. اما چنان چه آن ها نتوانند در آن ها موفقیت کسب کنند ارزش چندانی نخواهند داشت بنابراین باید دقت کند کارهای خیلی دشوار را که چندان امید موفقیت در آن ها نمی رود و به دانش آموزان واگذار نکند که به این طریق احساس عدم صلاحیت در آن ها تقویت خواهد شد. استدلال آن ها چنین است که معلم تنها کاری را به من می دهد که باید قادر به انجام آن باشم و چون نمی توانم آن را انجام دهم پس توانایی کمتر از حد انتظار است. معلم باید در کنار فراهم آوردن کارهای نسبتاً دشوار از دانش آموزان برای فعالی های آموزشی حمایت کند. هدف در واقع فراهم کردن محیطی آموزشی است که دانش آموزان در آن بیشترین یادگیری را داشته باشند و نیز احساس توانمندی نمایند. (دریس و همکاران، ۱۴۰۲).

نتیجه گیری

هنگامی که دانش آموزان بیشتر توجه و انرژی خود را برای جلب توجه و اطمینان و احترام معلم صرف می کند می توان گفت که آن ها به معلم وابسته هستند و از بیرون کنترل می شوند آن

ها در این که اوقات خود را چگونه بگذرانند به علایق درونی خود متوجه نیستند آن ها تکلیف را به دلیل خود آن ها و چالش انگیز بودن خود تکلیف انجام نمی دهند بلکه به ارزش ها و تاکیدهای معلم توجه دارند و تکالیفی را که چندان علاقه ای به آن ها ندارند انجام می دهند زیرا فکر می کنند با انجام این گونه تکالیف توجه معلم را جلب خواهند کرد. هدف از این راهبردهای جلوگیری از توجهات بی دلیل دانش آموزان به ارزش ها و انتظارهای معلم است. شاید این طور به نظر آید که این هدف بر خلاف آن است یعنی اگر دانش آموزان معلمان را با نظر مثبت بنگرند در این صورت معلمان سرمشق ارزش های تحصیلی آن ها خواهند بود هنگامی که دانش آموزان با معیارها و ارزش های معلمان درگیر باشند این خطر هست که آن ها را به بهای فراموش کردن خود بپذیرند. دانش آموزانی که معلم را سرمشق آرمانی خود می دانند علایق و ارزش های خود را نیز انکار نمی کنند. دانش آموزان وابسته را باید برای اجتناب از این امر تشویق کرد و آن ها را به ارزش ها و اهداف خود متوجه نمود تا ادراک کنترل و خودمختاری آن ها افزایش یابد. به این منظور لازم است تا نیاز دانش آموزان به توجه و احترام غیر مشروط از جانب معلم برآورده گردد. به بیان دیگر همه ی دانش آموزان باید بدون در نظر گرفتن موفقیت یا شکستشان در تحصیل مورد احترام و توجه واقعی قرار گیرند. هنگامی که چنین شود دانش آموزان بر این باور نخواهند بود که ارزش آن ها به عنوان یک فرد با وضعیت تحصیلی شان ارتباط دارد و ارزشمندی خود را وابسته به تعریف و تمجید معلم نمی دانند. معلم می تواند به همین طریق با کاهش تعریف و تمجیدهای کلی و افزایش برجسته کردن جنبه های خاص و موفق دانش آموزان توجه ایشان را از دآوری معلم به جانب کیفیت عملکرد خودشان سوق دهد. دانش آموزان می باید بیاموزند که برای خود فعالیت و لذتی که از انجام آن می برند و نه به دلیل توجه و احترام معلم به انجام هر فعالیتی پردازند. در واقع آن ها باید بیاموزند که لذت ایشان در انجام مطلوب فعالیت و افزایش قابلیت ها است و به دنبال واکنش دیگران در برابر موفقیت های خود نباشند. این لذت ذاتی با مهارت گرایی یا تکلیف گرایی سازگاری دارد یعنی توجه دانش آموزان بر مهارت یافتن به تکلیف و نه بر جلب توجه دیگران متمرکز می شود و در نهایت معلمان می توانند به دانش آموزان تلقین کنند تا برای موفقیت های خود اسنادهای درونی مانند تلاش و توانایی و برای شکست هایشان اسناد های درونی ناپایدار مانند تلاش داشته باشند و از این طریق

تمایل ایشان را به وابسته بودن به معلم کاهش دهند و ادراک کنترل شخصی ایشان را تقویت نمایند. دانش آموزان پس از یک تجربه ی موفق نیاز دارند تا باور کنند که قادرند موقعیت های مطلوب را باز هم ایجاد کنند. اسناد درونی پایدار و اسناد درونی قابل کنترل ناپایدار به طور توأمان انتظار موفقیت در آینده را به وجود می آورند زیرا توانایی ها و تلاش های دانش آموزان قابل استفاده در موقعیت جدید هستند در مورد تجربه ی شکست نیز دانش آموزان باید مطمئن باشند که قادرند با عوامل مخرب مقابله کنند. در این مورد فقط اسناد درونی ناپایدار و قابل کنترل می تواند موجب انتظار موفقیت در آینده باشد. در واقع دانش آموزان می توانند داوطلبانه تلاش خود را در موقعیت های جدید افزایش دهند و احتمال موفقیت خود را بیشتر کنند.

منابع

دریس، مریم و پیرای، فاطمه و مزرعه، لیلا و جلیلیان، سوسن، ۱۴۰۲، نقش معلم در کنترل آسیب های اجتماعی دانش آموزان، هفدهمین همایش ملی علمی پژوهشی روانشناسی و علوم تربیتی، شیروان.

لجمیری، شکیب، ۱۳۹۷، نقش آموزش و پرورش و معلم در کنترل یا کاهش آسیب های اجتماعی دانش آموزان، چهارمین همایش علمی پژوهشی استانی «از نگاه معلم»، بندرعباس.

سپاهی، ناهید، ۱۴۰۳، بررسی تاثیر رابطه بین معلم و دانش آموز در بستر آموزش مجازی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر شهرایران شهر، هفدهمین کنفرانس ملی حقوق، روانشناسی و مشاوره علوم اجتماعی و انسانی، شیروان.

کشاوریان، نرگس، ۱۴۰۳، رابطه جو کلاس و دستاورد تحصیلی دانش آموز با توجه به نقش میانجی تعامل معلم - دانش آموز و انگیزه تحصیلی در دانش آموزان مقطع ابتدایی شهر دزفول، نهمین کنفرانس بین المللی علوم تربیتی، روانشناسی، مشاوره، آموزش و پژوهش، تهران.

سالاری منش، فاطمه زهرا، ۱۴۰۲، تاثیر رابطه معلم دانش آموز در فرآیند یادگیری: اهمیت ارتباط میان و سازنده، اولین کنفرانس بین المللی پژوهش های مدیریت، تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش، تهران.

دهقان باغکبیری، سمانه، ۱۴۰۲، اقدام پژوهی: چگونه توانستیم رابطه بین معلم، دانش آموز و اولیا را بهبود ببخشم؟، اولین همایش ملی رویکردهای پژوهشی تحول آفرین در آموزش و پرورش، بندرعباس.